

## **Analyse des stratégies de la possession en français de point de vue de Typologie**

**Mahboube Sadat Mirafzali**

Doctorante en linguistique, Département de linguistique, université de Ferdowsi de Mashhad, Mashhad, Iran

**Shahla Sharifi**<sup>1</sup> (Auteur correspondant) 

Maître de conférences, Département de linguistique, Université Ferdowsi de Mashhad, Mashhad, Iran

### **Résumé**

Étant donné que le concept de la possession joue un rôle très fondamental dans le système mental humain et, par conséquent, dans le système linguistique de toutes les langues du monde, il existe des stratégies en ce sens dans chaque langue. Dans la présente recherche, nous avons analysé et étudié la construction de la possession en français avec une méthode descriptive-analytique et avec une approche hiérarchique. Pour cela, nous avons d'abord introduit la notion de possession dans cette langue puis nous sommes passés aux stratégies qui sont utilisées pour exprimer la possession en langue française ainsi que la stratégie dominante qui est utilisée dans cette langue pour exprimer cette notion et sa catégorie dans la langue française.

Les résultats de cette recherche montrent que la stratégie dominante dans la construction possessive française est la stratégie morpho-syntaxique d'augmentation des mots et l'utilisation de prépositions. Le possesseur et le possédé dans cette construction sont adjacents sans aucune fusion et la préposition est placée entre eux comme un verbe distinct, respectivement. La structure dominante dans la construction est comme possédé-possesseur. D'après les cas évoqués, il semble que cette langue se place dans la catégorie des langues qui se situent entre les langues discrets et connectés. La notion d'animation ainsi que la possession inaliénable ou aliénable dans cette langue n'ont pas beaucoup d'effet sur l'agencement des structures ou sur la manière d'exprimer la propriété en français.

**Mots-clés** : Possession, Stratégies de la possession, Typologie, Langue française.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [sh-sharifi@um.ac.ir](mailto:sh-sharifi@um.ac.ir)

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.90021.1130>

<https://orcid.org/0000-0001-8662-6335>

## **Analysis The Strategies of Possession in French with a Typology Point of View**

**Mahboube Sadat Mirafzali**

PhD student of linguistics, Department of linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

**Shahla Sharifi**<sup>1</sup> (Corresponding author) 

Associate professor, Department of linguistics, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

### **Abstract**

Since the concept of possession plays a very fundamental role in the human mental system and as a result in the linguistic system of all the world's languages, there are strategies for it in every language. In the current research, we have analyzed and investigated the construction of a possession in French with a descriptive-analytical method and with a typology approach. For this purpose, we have first introduced the concept of possession in this language and then we have gone to the strategies that are used to express possession in the French language and also the dominant strategy that is used in this language to express the concept of possession and the category of the French language. We have determined its basis. The results of this research show that the dominant strategy in French possessive construction is the morpho-syntactic strategy of word augmentation and the use of prepositions. The property and the owner in this construction are adjacent to each other without any merger and the preposition is placed between the property and the owner as a separate verb, respectively.

The dominant arrangement in French property construction is property-owner. According to the mentioned cases, it seems that this language is placed in the category of languages that are located between discrete and connected languages. The animacy variable as well as the separability or inseparability variable in this language does not have much effect on the arrangement of structures or the way of possession.

**Keywords:** Possession, Possession strategies, Typology, French language.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [sh-sharifi@um.ac.ir](mailto:sh-sharifi@um.ac.ir)

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.90021.1130>


<https://orcid.org/0000-0001-8662-6335>

## بررسی راهبردهای بیان مالکیت در زبان فرانسه از دیدگاه رده‌شناختی

مقاله پژوهشی

محبوبه سادات میرافضلی

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

شهلا شریفی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) 

دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

### چکیده

از آنجایی که مفهوم مالکیت در نظام ذهنی بشر و در نتیجه در نظام تمام زبان‌های دنیا نقش بسیار اساسی دارد، برای بیان آن، راهبردهای متنوعی وجود دارد. در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد رده‌شناختی به تحلیل و بررسی ساخت ملکی در زبان فرانسه می‌پردازیم. برای این منظور، ابتدا به معرفی مفهوم مالکیت در این زبان می‌پردازیم و سپس به سراغ راهبردهایی می‌رویم که برای بیان مالکیت در زبان فرانسه استفاده شده است و همچنین به راهبرد غالبی اشاره می‌کنیم که در این زبان برای بیان مفهوم مالکیت به کار گرفته می‌شود و رده زبان فرانسه را براساس این متغیر مشخص می‌نماییم. نتایج حاصل از این پژوهش گویای آن است که راهبرد غالب در ساخت ملکی زبان فرانسه، راهبرد صرفیه نحوی و ندادفزایی و استفاده از حرف اضافه است. مالک و ملک در این ساخت بدون هیچ‌گونه ادغامی در مجاورت یکدیگر است و حرف اضافه به صورت وند مجزا، به ترتیب میان ملک و مالک قرار می‌گیرد. ترتیب غالب نیز در ساخت ملکی فرانسه به صورت ملک- مالک است. با توجه به موارد مذکور، به نظر می‌رسد که این زبان در دسته زبان‌هایی قرار می‌گیرد که میان زبان‌های گسسته و پیوندی واقع می‌شوند. متغیر جاننداری و همچنین متغیر جدایی‌پذیری یا جدایی‌ناپذیری در این زبان تأثیر چندانی در آرایش سازه‌ها و یا نحوه بیان مالکیت ندارد.

کلیدواژه‌ها: مالکیت، راهبردهای ملکی، رده‌شناسی مالکیت، زبان فرانسه.

<sup>۱</sup>. E-mail: sh-sharifi@um.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.90021.1130>

<https://orcid.org/0000-0001-8662-6335>

## ۱. مقدمه

رویکرد رده‌شناسی درحقیقت به طبقه‌بندی زبان‌ها و مفاهیم زبانی براساس مشخصه‌های زبان‌شناختی موجود در آن‌ها می‌پردازد. رده‌شناسی همچنین بر جهانی‌های زبان، تنوعات زبانی و تمایلات غالب تأکید دارد. از طرفی دیگر می‌توان گفت که رده‌شناسی یک رویکرد تجربی است که با واقعیت زبان‌ها سروکار دارد؛ به این معنا که به صورت نظام‌مند، کاملاً ملموس، عینی و براساس توصیف واقعی زبان‌هاست و به مسائل انتزاعی زبان‌ها نمی‌پردازد. این رویکرد درصدد آن است که پس از مطالعه و بررسی واقعیات زبان، زبان‌های دنیا و پدیده‌های زبانی را براساس تمایل غالب، طبقه‌بندی کند و به تعمیم‌هایی دست یابد. به دیگر بیان، هدف رده‌شناسی تعیین انواع زبان‌ها، یعنی تعیین گروه زبان‌هایی است که دارای ساختار دستوری مشابهی هستند. در این راستا یافتن الگوی این ساختارها نیز حائز اهمیت است. گاهی نتایج مقایسه نشان می‌دهد که زبان‌ها با توجه به برخی از معیارها، از یکدیگر متفاوت نیستند که این مضمون در چارچوب قواعد جهان‌شمول زبان واکاوی می‌شود (البرزی، ۱۴۰۰، ص. ۱).

با توجه به رویکرد تجربی و استقرایی این رویکرد به زبان، توصیف و بررسی زبان‌شناختی زبان‌های مختلف اهمیت پیدا می‌کند؛ چراکه توصیف، مرحله اول رسیدن به جهانی‌های زبانی است. از آن‌جا که رویکرد رده‌شناختی از نیمه‌های قرن بیستم به بعد به قول گرینبرگ<sup>۱</sup> (۱۹۷۴) رویکرد تعمیم‌گرا<sup>۲</sup> شد، به این معنی که در جستجوی طبقه‌بندی‌ای از زبان‌ها یا به بیان دقیق‌تر در جستجوی عناصری از زبان‌ها براساس ویژگی‌های ساختاری براساس حداکثر تعمیم بود، نیاز به مقایسه‌های بین زبانی بیشتر احساس می‌شود. در این راستا در این مقاله متغیر بیان مالکیت در زبان فرانسه مورد توجه قرار گرفته است.

این مقاله با تأکید بر رویکرد رده‌شناختی، سعی دارد تا ساختارها و راهبردهایی که اهل زبان برای بیان مالکیت در زبان فرانسه به کار می‌برند را تجزیه و تحلیل کند و سپس با معرفی راهبرد غالب ملکی در زبان فرانسه به کمک متغیرهای عنوان‌شده توسط کرافت<sup>۳</sup>، رده این زبان را تعیین کند. به باور کرافت برای تعیین رده زبان‌ها در رابطه با یک متغیر بخصوص، می‌بایست در وهله

1. Greenberg

2. generalizing

3. Croft. W

نخست تعریف جامع و کاربردی از آن متغیر ارائه شود (کرافت، ۲۰۰۳، ص. ۱۴) و سپس می‌بایست به بررسی تمام ساخت‌هایی که در زبان مورد نظر برای بیان آن متغیر به کار می‌رود پرداخت. به این طریق می‌توان در رابطه با آن متغیر و راهبرد غالب در آن زبان، رده آن را مشخص نمود.

پرسش‌های این پژوهش به قرار زیرند:

- چه راهبردهایی برای بیان مالکیت در زبان فرانسه به کار می‌رود؟
  - ملاک‌های رده‌بندی ساخت‌های ملکی کرافت (۱۹۹۰) به چه صورت در زبان فرانسه متجلی می‌شوند؟
  - متغیرهایی چون جاننداری، جدایی‌پذیری یا جدایی‌ناپذیری چه تأثیری در ملاک‌های ساخت ملکی زبان فرانسه دارد؟
  - راهبرد غالب ملکی‌سازی در زبان فرانسه چیست؟
- در بخش بعد به ارائه پیشینه پژوهش حاضر می‌پردازیم.

## ۲. پیشینه پژوهش

بررسی مفهوم مالکیت همواره مورد توجه پژوهش‌گران رشته‌های گوناگون از جمله حقوق، زبان‌شناسی همگانی و شناختی قرار گرفته است. ساخت ملکی یکی از مباحث مهمی است که در مطالعات زبان‌شناسی از پیشینه گسترده‌ای برخوردار است. این مفهوم در واقع در ذهن تمام انسان‌ها و در شکل‌گیری تجربیات بشر نقش اساسی داشته است و می‌توان گفت که این تجربیات در زبان نیز بازتاب پیدا می‌کند؛ به همین علت است که مالکیت به مفهومی همگانی در زبان‌های دنیا تبدیل شده است. بر همین اساس این مفهوم را از دیدگاه‌های گوناگون و رویکردهای مختلف زبان‌شناسی در رابطه با زبان‌های زنده دنیا مورد بررسی قرار داده‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها در این بخش اشاره می‌کنیم.

در پژوهش‌های داخلی مفهوم مالکیت را بر روی گونه‌های مختلف ایرانی مورد بررسی قرار داده‌اند که از آن میان می‌توان به پژوهشی که توسط شریفی (۱۳۸۸) انجام شده اشاره نمود. در این مقاله، نویسنده پس از اشاره به طبقه‌بندی انواع راهبردهای صرفی - نحوی ملکی‌سازی زبان‌های دنیا و تعیین متغیرهای دستوری که در این طبقه‌بندی قرار گرفته‌اند، راهبردهای

ملکی سازی در زبان فارسی امروز را بررسی کرده و براساس متغیرهای دستوری مذکور، این راهبردها را تحلیل نموده است. وی پس از آن، براساس معیارهای تعیین راهبرد غالب برای ملکی سازی، رده زبانی زبان فارسی را تعیین کرده است. نویسنده در این مقاله براساس معیارهای تعیین راهبرد غالب، راهبرد غالب به کارگرفته شده برای ملکی سازی در زبان فارسی را از بین دو راهبرد صرفی - نحوی و ندادفزایی و استفاده از پیونده، کاربرد پیونده معرفی می کند.

نغزگوی کهن (۱۳۹۵) انواع ساخت های مالکیت در گویش تالشی را با استفاده از چارچوب رده شناختی آیکنوالد (۲۰۱۳) بررسی کرده است.

بامشادی و انصاریان (۱۳۹۶) در مقاله خویش ساخت ملکی کردی گورانی را با رویکردی رده شناختی از نظر آرایش سازه، شیوه پیونددهی میان مالک و مملوک، میزان آمیختگی میان این دو و نیز تمایز مالکیت انتقال پذیر از انتقال ناپذیر بررسی کرده اند. نتایج این مقاله حاکی از آن است که کردی گورانی از نظر رده شناختی در زمره زبان هایی است که برای ملکی سازی در سطح گروه از دو راهبرد ساده بهره می گیرد: الف) راهبرد هم کناری با آرایش NG و عناصر مستقل از هم؛ ب) راهبرد و ندادفزایی با آرایش NG و عناصر پیوندی.

پس از آن می توان به پژوهش شریفی و صبوری (۱۳۹۷) اشاره کرد که نویسندگان در آن به بررسی راهبردهای مالکیت در برخی گونه های زبانی ایران نظیر گیلکی، لری، کردی جافی، بختیاری، سمنانی و... پرداخته اند. این محققان نخست نوع راهبرد ملکی هر گونه را با توجه به دسته بندی که کرافت (۲۰۰۳) ارائه داده است، مشخص کرده و سپس متغیرهایی چون ترتیب مالک و ملک، مقوله مالک از نظر اسم یا ضمیر بودن، اهمیت جاننداری در چگونگی بیان رابطه مالکیت و وجود یا نبود تفاوت در رابطه تعلق و غیر تعلق را در هر گونه بررسی کرده اند.

بدخشان، ویسی حصار و ساداتی (۱۳۹۷) در پژوهش خویش با رویکردی رده شناختی برگرفته از نظریات هاینه (۱۹۹۷)، استاسن (۲۰۰۹)، دیکسون (۲۰۱۰) و آیکنوالد (۲۰۱۳) و با هدف تحلیل ساخت ملکی اسمی و گزاره ای در گویش مازنی و یافتن جایگاه آن در رده های زبان های دنیا به بررسی ساخت ملکی پرداخته اند.

نغزگوی کهن و ملکی (۱۳۹۸) در مقاله «طرح واره مالکیت در زبان فارسی» به بررسی طرح واره های مالکیت محمولی و اسمی در زبان فارسی می پردازند. یافته های این دو حاکی از

آن است که زبان فارسی از طرح‌واره‌های کنش، مکانی، همراهی، هدف و منبع برای رمزگذاری مالکیت محمولی استفاده می‌کند. همچنین برای بیان مالکیت اسمی از طرح‌واره‌های مکانی، همراهی، اضافی، منبع، اتصالی و مبتدایی استفاده می‌گردد.

در خارج از کشور نیز مقالاتی در خصوص بررسی ساخت ملکی نگاشته شده است. هانون<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) در مقاله خویش در خصوص ویژگی‌های فعل *avoir* به معنای «داشتن» در رابطه با مالکیت جدایی‌ناپذیر، پژوهشی انجام داده و در آن موارد مربوط به این نوع از مالکیت را مورد بررسی قرار داده است.

پامیس<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) نیز ساخت‌های ملکی زبان‌های اروپایی را از دیدگاه معناشناختی مورد مطالعه قرار می‌دهد و مفهوم مالکیت را معادل استعاره‌هایی مفهومی در زبان در نظر می‌گیرد. وی برای درک این مفهوم طرح‌واره‌های تصویری فضا، مکان، زمان و عاملیت را پیشنهاد می‌کند و بسط معنایی این ساخت را وابسته به ویژگی‌های ذاتی هرکدام از آن‌ها می‌داند.

در زبان فرانسه نیز، ساخت‌های ملکی در چارچوب‌های نظری مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پژوهش‌های گوناگونی که تاکنون در زبان فرانسه ساخت ملکی را مورد مطالعه قرار داده‌اند، بیش از هرچیزی تمرکز بر مفهوم مالکیت به‌عنوان یک مقوله معنایی بوده است. در بسیاری از این مطالعات، به بررسی رابطه معنایی بین مالک و ملک پرداخته شده است. برای مثال بارون، هرسلوند و سورنسن (۲۰۰۱) در پژوهش خود سؤالات مهمی از جمله مالکیت چیست؟ و اینکه آیا رابطه معنایی کلی وجود دارد که بتوان برای تمام انواع مالکیت آن را تعمیم داد یا خیر؟ طرح کرده‌اند. نویسندگان به این پرسش‌ها با این فرض پاسخ داده‌اند که در مالکیت تعلق و غیرقابل سلب می‌توان مشخص‌گر ملکی را با حرف تعیین معین جایگزین کرد و همچنین برای پاسخ، مفاهیم مالکیت تعلق و غیرتعلق و پدیده‌ای به نام رقابت را تبیین کرده‌اند.

ولدنس<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) در پایان‌نامه‌اش خود ضمن بررسی تفاوت‌های معنایی ساخت‌های ملکی، پژوهشی مقایسه‌ای در رابطه با مالکیت جدایی‌ناپذیر میان زبان فرانسه و نروژی ارائه می‌دهد و در آن به بررسی چگونگی عملکرد حروف تعریف معین و مشخص‌گرهای ملکی می‌پردازد.

1. Hanon, S

2. Pamies, A

3. Woldsnes, A. K

اینکه این دو زبان چه زمانی از دو مورد مذکور در مواجهه با مالکیت‌های جدایی‌ناپذیر استفاده کرده است و آیا در استفاده از آن‌ها تفاوت معنایی ایجاد می‌شود یا خیر از سؤالات مد نظر وی است.

مفهوم مالکیت جدایی‌ناپذیر در فرانسه چنان نظر زبان‌شناسان گوناگون را به خود جلب کرده است که افراد زیادی در این رابطه مطالعاتی انجام داده‌اند که پژوهش افرادی نظیر هانون (۱۹۸۹)، ریگل (۲۰۰۱)، هاینز (۲۰۰۳) و کلبر (۲۰۰۸) از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌رود.

علی‌رغم پژوهش‌های انجام‌شده در رابطه با این مفهوم در میان پژوهش‌های داخلی و خارجی، تاکنون مطالعه‌ای بر روی ساخت‌های ملکی در زبان فرانسه از دیدگاه رده‌شناسی صورت نگرفته است. در این پژوهش سعی بر آن داریم که با مطالعه رده‌شناختی مالکیت در زبان فرانسه به برخی نکات تازه در مورد این مفهوم و راهبردهای بازنمایی آن بپردازیم و راهبرد غالب ساخت ملکی زبان فرانسه را از دیگر راهبردهای بیان مالکیت تشخیص دهیم و رده آن را تعیین نماییم.

### ۳. چارچوب نظری پژوهش

از نظر سونگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، مطالعات رده‌شناختی مرحله‌ای دارد که در اینجا به صورت مختصر به این مراحل اشاره خواهیم نمود. به باور وی، در مرحله نخست باید به تعیین و شناسایی پدیده زبانی مورد مطالعه بپردازیم. به این منظور در پژوهش پیش رو در نخستین مرحله، مفهوم مالکیت در زبان فرانسه را در نظر داریم و برآنیم تا رفتار زبانی و بازنمایی این متغیر را در قالب معرفی راهبردهای گوناگون ملکی‌سازی در این زبان بررسی نماییم. مرحله بعدی، باید طبقه‌بندی رده‌شناختی پدیده مورد نظر صورت بگیرد. در رابطه با مفهوم مالکیت می‌خواهیم ببینیم که در زبان فرانسه چند نوع راهبرد برای بیان مالکیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. پس از آن نوبت به تعمیم‌دهی و یا دست‌یافتن به تعمیم در خصوص پدیده مد نظر می‌رسد. به این معنا که رده‌هایی که زیاد دیده می‌شوند و به اصطلاح پربسامد هستند را در نظر می‌گیریم. برای مثال تعدادی رده برای مالکیت به دست آورده‌ایم؛ ولی در بررسی‌های دقیق‌تر، از این تعداد مثلاً دو یا سه رده پربسامدتر بوده است و بقیه رده‌ها ترکیبی هستند و حتی ممکن است به‌عنوان نوع دوم رده اصلی مشاهده شوند. برای مثال در فارسی ما از نظر ساختاری مالکیت را با کسره اضافه نشان می‌دهیم،

<sup>۱</sup>. Song, J.J



مثل در اتاق، پایه میز و ... اما اگر ضمیر باشد می‌توانیم شناسه واژه‌بستی استفاده کنیم. مثل پام، استادم، ماشینم و ...؛ پس این مورد دیگر اصلی در نظر گرفته نمی‌شود؛ چراکه تنها در رابطه با ضمیر صدق می‌کند و اگر اسم باشد دیگر نمی‌توانیم این‌گونه آن را به کار ببریم. در آخر، چرایی و تبیین و توضیح الگوی به‌دست‌آمده به‌عنوان مرحله نهایی انجام می‌پذیرد. در این مرحله از مطالعه، پرسامدترین حالت ممکن مورد بررسی قرار می‌گیرد و خواهیم دید که چرا چنین راهبردی پرسامد و دیگری کم‌سامد است. آیا دلیل پردازشی دارد یا شناختی و مواردی از این قبیل.

نخستین مبحث مهمی که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد، مطالعه چگونگی به‌کارگیری راهبردهای زبانی و استفاده از انواع مختلفی از افعال و صفات برای بیان مالکیت است. به‌عنوان مثال، افعالی مانند «avoir» به معنای «داشتن» و «être» به معنای «بودن» و صفاتی مانند «mes»، «ma»، «mon» و «tes»، «ta»، «ton» برای این منظور به کار می‌روند. این افعال و صفات نقش مهمی در تعیین مالکیت اشیا و اجسام در جملات دارند و از آن‌جا که زبان‌ها در این زمینه تفاوت‌هایی دارند، بررسی رده‌شناختی می‌تواند نقش مهمی در درک الگوهای مالکیت در زبان فرانسه ایفا کند.

این الگوها و راهبردها نشان از تنوع و غنای بیان مالکیت در زبان فرانسه دارند. با تحلیل این الگوها و روش‌ها، می‌توان به درک عمیق‌تری از چگونگی بیان این مفهوم در این زبان دست یافت و الگوهای مختلفی که برای این منظور استفاده می‌شوند را شناسایی کرد.

رابطه میان مالک و ملک را تحت عنوان مفهوم مالکیت می‌شناسیم. در فرهنگ معین مالکیت معادل «مالک بودن» و به معنای حقی تعریف شده است که انسان نسبت به شیئی دارد و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بکند به جز آنچه که مورد استثنای قانون باشد. در تعریف حقوقی نیز، مالکیت حقی دائمی است که به موجب آن شخص می‌تواند در حدود قوانین تصرف، مالی را به خود اختصاص دهد و از تمام منافع آن استفاده کند (سربازیان و رنجبری، ۱۳۹۴، ص. ۵۷).

اما زیمک<sup>۱</sup> (۱۹۶۰) میان مالکیت به معنای وسیع و کلی آن یعنی چیزی که با فعل «داشتن» بیان می‌شود و مالکیت قانونی و حقوقی تمایز قائل شده است (پامیس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲، ص. ۶۹).

1. Zimek, R

2. Pamies, A

در حقوق مدنی سه مشخصه مطلق بودن، انحصاری بودن و دائمی بودن را برای مالکیت در نظر می‌گیرند و مالکیت به‌عنوان کامل‌ترین حق عینی تعریف می‌شود که انسان می‌تواند بر مالی داشته باشد، به‌گونه‌ای که با هر انگیزه‌ای از عین مال خود بهره‌برداری کند یا آن را بی‌استفاده باقی گذارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص. ۸۲۱).

جکنداف<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) مالکیت را به‌عنوان یک رابطه میان دو مرجع توصیف می‌کند که در آن یکی از آن‌ها حق یا اختیار کنترل استفاده از دیگری را دارد.

لانگاکر<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) نیز مالکیت را نوعی تصرف می‌داند که مالک آن را در رابطه با یک ملک انجام می‌دهد. وی در جایی دیگر و در حوزه زبان‌شناسی شناختی تعریف دقیق‌تری از مفهوم مالکیت ارائه می‌دهد و آن را به‌عنوان یک مدل ارجاعی شناختی تعریف می‌کند که در آن مالک به‌عنوان "نقطه ثابت" برای درک مملوک عمل می‌کند که "نقطه متحرک" است (لانگاکر، ۱۹۹۳). در زبان، رابطه مالک و مملوک می‌تواند از نوع رابطه تملک حقوقی مثل "خانه من"، رابطه کل - جزء مثل "شاخه درخت" و یا رابطه خویشاوندی از قبیل "پدر داماد" باشد. این نوع روابط خود می‌توانند از نوع تفکیک‌پذیر یا تفکیک‌ناپذیر، موقت یا دائمی و جز آن تلقی شوند (نغزگوی کهن و ملکی، ۱۳۹۸، ص. ۳۴). پس از تعریفی که برای مالکیت ارائه می‌شود، برای مشخص کردن رده یک زبان به لحاظ مالکیت باید متغیرهایی را مشخص کرد.

به عقیده کرافت (۱۹۹۰: ۳۷) برخی ویژگی‌های واژگانی - دستوری در تعیین رده ساخت‌های ملکی در زبان‌های گوناگون دخالت دارند که موارد زیر از آن جمله‌اند:

الف) ترتیب قرارگیری ملک و مالک نسبت به یکدیگر: این‌که آیا در زبان مورد پژوهش، رده غالب ترتیب ملک - مالک دارد و یا مالک - ملک.

ب) میزان درهم‌آمیزی ملک و مالک از نظر ساخت‌واژی: بررسی اینکه آیا در ساخت ملکی مورد نظر تنها مجاورت مالک و ملک صورت گرفته و یا وندافزایی نیز انجام شده است.

پ) وجود یا عدم وجود تکواژ افزوده: آیا تکواژ افزوده در ساخت ملکی وجود دارد یا خیر و اگر وجود دارد از چه نوعی است. برای مثال تکواژ اضافه است یا پیونده؛ تکواژ افزوده مربوط به ملک است یا مالک یا از هر دو مجزاست. محل قرارگیری آن قبل یا بعد از ساخت ملکی

<sup>1</sup>. Jackendoff, R

<sup>2</sup>. Langacker, R.W

است و یا بین دو رکن ساخت ملکی یعنی بین مالک و ملک؛ تکواژ افزوده تا چه حد با مالک یا ملک درهم آمیخته‌اند.

از آن‌جا که معمولاً در یک زبان تنها یک راهبرد ملکی‌سازی وجود ندارد، پس از مشخص کردن تمام این راه‌کارها می‌بایست مشخص کرد که کدام یک از آن‌ها را می‌توان به‌عنوان راهبرد غالب در نظر گرفت. هاوکینز<sup>۱</sup> (۱۹۸۳) ملاک‌های زیر را برای تعیین راه‌کار غالب و اصلی پیشنهاد می‌کند:

الف) چنانچه راهبردی در رابطه با یک پدیده مانند مالکیت به لحاظ کارکرد به زیرطبقه‌ای از آن محدود شود، آن را نمی‌توان راهبرد غالب و اصلی در نظر گرفت. برای مثال طبق پژوهش شریفی (۱۳۸۸) در بین دو راهکار استفاده از پیوند (کسرهٔ اضافه مانند کتاب علی) و وندافزایی (چسبیدن مالک به‌صورت واژه‌بست به ملک مانند کتابم) در زبان فارسی، "راهبرد پیونده" راهبرد غالب و اصلی محسوب می‌شود، به این دلیل که هم در مورد ضمائر و هم در مورد اسامی می‌تواند به‌کار رود، اما راهبرد دوم تنها منحصر به ضمائر است. به‌علاوه به لحاظ سبک رسمی و غیررسمی راهبرد اول در هر دو موقعیت به‌کار می‌رود؛ درحالی‌که راهبرد دوم بیشتر در سبک غیررسمی کاربرد دارد.

ب) اگر دو راهبرد بر یک طبقه یا زیرطبقه قابل اعمال باشد، آن موردی غالب است که بسامد بالاتری دارد و یا متداول‌تر است. برای مثال در زیرطبقهٔ ضمائر در انگلیسی دو راه‌کار بیان مالکیت به‌صورتی که در این مثال‌ها آمده است وجود دارد: *my book* و *the book of mine* از بین این دو، مورد دوم که تکواژ اضافه به‌صورت حرف اضافهٔ "of" و صورت مکمل ضمیری "mine" دارد به شکل قابل ملاحظه‌ای کم‌کاربردتر از دیگری است، بنابراین نمی‌تواند راهبرد اصلی باشد.

ج) اگر در بین موارد، راهبردی باشد که برای کارکرد خاص و مشخصی به‌کار برود در مقابل راهبردی که کارکرد عام‌تری دارد، طبیعتاً مورد اول نمی‌تواند راهبرد اصلی باشد. برای مثال استفاده از «S» به‌عنوان یک راه‌کار ملکی‌سازی در انگلیسی که محدودیت کارکرد جاندار بودن

<sup>۱</sup>. Hawkins

دارد؛ نسبت به استفاده از حرف اضافه‌ی «of» که کاربرد عام‌تری دارد، راهبرد مغلوب و غیراصولی محسوب می‌شود. با توجه به آنچه که در این بخش گفته شد، به سراغ بررسی راهبردهای ملکی سازی در زبان فرانسه می‌رویم.

#### ۴. راهبردهای ملکی سازی در زبان فرانسه

هنگام بیان مفهوم مالکیت به زبان فرانسه، مجموعه‌ای از استراتژی‌ها و الگوهای زبانی به کار می‌روند تا روابط مالکیت بین افراد و اشیا را به مخاطب منتقل کنند. در این بخش از مقاله به معرفی استراتژی‌ها و راهبردهای مختلفی می‌پردازیم که برای بیان مالکیت در زبان فرانسه کاربرد دارند. هدف از ارائه این قسمت، بررسی چگونگی استفاده سخنگویان فرانسوی‌زبان از مجموعه‌ای از ساختارهای نحوی و صرفی برای بیان مفهوم مالکیت به صورت دقیق است. سپس با تبیین تفاوت میان مالکیت جدایی‌ناپذیر و جدایی‌پذیر و همچنین تفاوت آن‌ها در ارتباطات روزمره و موارد مربوط به شناخت افراد در خصوص کاربرد راهبرد غالب این مفهوم، بحث را ادامه خواهیم داد. در نهایت، هدف این مقاله ارائه دیدگاهی دقیق و کاربردی از استراتژی‌های استفاده‌شده برای بیان مالکیت در زبان فرانسه است.

راهبردهای گوناگون صرفی و نحوی برای بیان مفهوم مالکیت در زبان فرانسه به کار گرفته می‌شود که ما در این بخش به معرفی هر کدام از این راهبردها خواهیم پرداخت.

#### ۴.۱. افعال ملکی

یکی از اساسی‌ترین راهبردهای ملکی سازی در هر زبانی به‌کارگیری راهبردهای صرفی و یا واژگانی است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به استفاده از افعال ملکی اشاره نمود. در زبان فرانسه مانند هر زبان دیگری انواع افعال ملکی وجود دارد که می‌توانند برای بیان مفهوم مالکیت در آن زبان کاربرد داشته باشند. افعالی چون *avoir* به معنای «داشتن»، *être* به معنای «بودن»، *appartenir* به معنای «تعلق داشتن یا متعلق بودن»، *posséder* به معنای «دارا بودن» نمونه‌هایی از افعال ملکی در زبان فرانسه هستند.

ایساچنکو (۱۹۷۴) زبان‌های دارای فعل ملکی معادل «داشتن» را «زبان دال» می‌نامد و آن‌ها را از «زبان‌های میم» با فعل «متعلق بودن» متمایز می‌سازد (نغزگوی کهن، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۰).

فعل «avoir» به معنای «داشتن» در زبان فرانسه رفتار عجیبی دارد. بسیاری از ساختارهای فعلی زبان فرانسه با این فعل ساخته می‌شود. برای مثال به جای آن‌که بگوییم "گرسنه هستم" در فرانسه می‌گوییم "گرسنگی دارم" و یا به جای آن‌که بگوییم "خوابم می‌آید" از عبارت "خواب دارم" استفاده می‌کنیم. چنین چیزی با آنچه که در بحث مالکیت با فعل «داشتن» و یا همان «avoir» مطرح شد، مغایرت دارد.

ماری خانهٔ بزرگی دارد. Marie a une grande maison.

این خانهٔ بزرگ به مریم تعلق دارد. Cette grande maison appartient à Marie.

#### ۲.۴. حرف اضافهٔ de با ترتیب ملک + de + مالک

حرف اضافهٔ de در زبان فرانسه عملکردی چون کسرهٔ اضافه در ترکیب مضاف و مضاف‌الیه در زبان فارسی و همچنین s' مالکیت در زبان انگلیسی دارد. ترتیب و جایگاه قرارگیری این حرف اضافه نیز مشابه زبان فارسی است؛ یعنی همان‌طور که ما در دستور زبان فارسی از کسرهٔ اضافه بعد از ملک استفاده می‌کنیم و پس از آن مالک عنوان می‌شود، de در زبان فرانسه هم بدین ترتیب عمل می‌کند. لازم به ذکر است که اگر بخواهیم از مالکیت دو چیز که هر دو غیر انسان و یا غیرجاندار هستند نیز صحبت کنیم، می‌توانیم از ساختار مذکور بهره ببریم. در این حالت می‌بینیم که تمایزی میان زمانی که ملک و مالک جاندار باشند یا بی‌جان وجود ندارد.

پای گربه La patte du chat

ماشین پیر La voiture de Pierre

کتاب‌های کتابخانه Les livres de la bibliothèque

#### ۳.۴. ساختارهای ملکی

در زبان فرانسه علاوه بر افعال ملکی‌ساز، برخی ساختارهای نحوی نیز وجود دارند که مفهوم مالکیت را دربردارند. این ساختارها از افعال کمکی avoir به معنای «داشتن» و être به معنای «بودن» ساخته شده‌اند.

۴.۳.۱. یکی از پرکاربردترین ساختارهای ملکی مربوط به فعل être به همراه حرف اضافه à است که پس از آن اسم خاص اشخاص و یا ضمائر تأکیدی *vous, nous, elle, lui, toi, moi*, *eux* و یا *elles* می‌آید. در این ساختار حرف اضافه à به معنای «متعلق به» است.

- Être+ à+ nom de personnes/pronom tonique

Ex : Cette maison est à Sara. این خانه متعلق به سارا است.

Ex : Cette maison est à eux. این خانه مال آنهاست.

۴.۳.۲. ساختار دیگری که با فعل être ساخته می‌شود و مالکیت را بیان می‌کند به صورت زیر است:

- Être en possession de+ qqch مالک چیزی بودن

Ex : Nous sommes en possession de ce chien. ما مالک این سگ هستیم.

۴.۳.۳. ساختار ملکی بعدی بر مبنای فعل avoir ساخته می‌شود و معادل آن نیز در نظر گرفته شده است.

- Avoir qqch en sa possession چیزی را تحت مالکیت خود داشتن

Ex : Il a des biens en sa possession. او پول را تحت مالکیت خود دارد. (او پول دارد)

۴.۳.۴. ساختار نحوی دیگری که برای بیان مالکیت از آن استفاده می‌کنیم آن است که برای مثال یک ویژگی به مالک داده شود تا علاوه بر متمایز کردن آن به نوعی مفهوم مالکیت را نیز در آن بگنجانیم. در این حالت، ویژگی‌ای که به مالک اطلاق می‌شود، معمولاً یک ویژگی ذاتی و جدایی‌ناپذیر از وی است. به عبارتی دیگر می‌توان این نوع مالکیت را به کمک یک صفت بیان کرد. برای مثال:

Ex : C'est une jeune femme aux yeux noirs.

او زنی با چشمان مشکی است (زنی که چشمان مشکی دارد).

Ex : le garçon au grand nez. پسر بینی‌بزرگ (پسری که بینی بزرگ دارد).

۴.۳.۵. ساختار غیرشخصی و ثابت *il y a* نیز گاهی اوقات مفهوم مالکیت را دربردارد. *Il y a* به معنای «وجود داشتن» است.

Ex : Dans cet appartement, il y a un garage.

در این آپارتمان یک پارکینگ وجود دارد. (آپارتمان یک پارکینگ دارد).

#### ۴.۴. صفات ملکی در زبان فرانسه

یکی از اساسی‌ترین راهبردهای بیان مالکیت در زبان فرانسه، استفاده از صفات ملکی است. صفات ملکی در زبان فرانسه (*les adjectifs possessifs*) همواره پیش از اسم می‌آید و به‌نوعی وابستهٔ اسمی محسوب می‌شوند. صفت ملکی مثل دیگر صفات در زبان فرانسه با توجه به جنسیت و مفرد یا جمع بودن اسمی که به آن نسبت داده شده‌اند، متغیر است. حالت جمع این صفات در اشخاص جمع، برای هر دو جنسیت مؤنث یا مذکر مشابه است.

جدول شمارهٔ ۱-حالات‌های مختلف صفات ملکی را همراه با مثال‌هایی مجزا نشان می‌دهد:

جدول ۱- صفات ملکی زبان فرانسه

شخص	صفت ملکی	مثال	ترجمه‌ی مثال
اول شخص مفرد (je)	اسامی مفرد مذکر = mon	Je cherche mon téléphone portable.	به دنبال تلفن همراه می‌گردم.
	اسامی مفرد مؤنث = ma	Je cherche ma gomme.	به دنبال پاک‌کنم می‌گردم.
	اسامی جمع = mes	Je cherche mes livres.	به دنبال کتاب‌هایم می‌گردم.
دوم شخص مفرد (tu)	اسامی مفرد مذکر = ton	Hier, j'ai vu ton père.	دیروز پدرت را دیدم.
	اسامی مفرد مؤنث = ta	Hier, j'ai vu ta mère.	دیروز مادرت را دیدم.
	اسامی جمع = tes	Hier, j'ai vu tes parents.	دیروز والدینت را دیدم.

شخص	صفت ملکی	مثال	ترجمه‌ی مثال
سوم شخص مفرد (il/elle)	اسامی مفرد مذکر = son	Il a parlé à son ami.	او با دوستش صحبت کرد.
	اسامی مفرد مؤنث = sa	Il a parlé à sa mère.	او با مادرش صحبت کرد.
	اسامی جمع = ses	Il a parlé à ses parents.	او با والدینش صحبت کرد.
اول شخص جمع (nous)	اسامی مفرد مذکر و مؤنث = notre	Nous avons vendu notre maison.	خانه‌مان را فروختیم.
	اسامی جمع = nos	Nous avons vendu nos appartements.	آپارتمان‌هایمان را فروختیم.
دوم شخص جمع (vous)	اسامی مفرد مذکر و مؤنث = votre	Quelle est votre activité préférée?	فعالیت مورد علاقه شما چیست؟
	اسامی جمع = vos	Quelles sont vos activités préférées?	فعالیت‌های مورد علاقه شما چیست؟
سوم شخص جمع (ils/elle)	اسامی مفرد مذکر و مؤنث = leur	Ils aiment leur enfant.	آنها فرزندشان را دوست دارند.
	اسامی جمع = leurs	Ils adorent leurs enfants.	آنها عاشق فرزندانشان هستند.

همان‌گونه که می‌بینیم، در زبان فرانسه برای بیان رابطه مالکیت از راهبرد حالت‌نمایی نیز استفاده می‌شود. حالت‌نمایی در ضمایر و صفات ملکی وجود دارد. لازم به ذکر است که در این زبان، به هنگام استفاده از صفات و ضمایر ملکی، بازنمایی جنس دستوری نیز وجود دارد. با توجه به موارد عنوان‌شده در جدول شماره ۱، از آنجایی که این صفات در زبان فرانسه به صورت ضمیری هستند و به بیان دیگر، این راهبرد به نوعی به زیرطبقه ضمایر محدود می‌شود، بنابراین نمی‌تواند به عنوان راهبرد غالب بیان مالکیت در این زبان در نظر گرفته شود.



## ۴.۵. ضمایر ملکی در فرانسه

راهبرد دیگری که در زبان فرانسه برای بیان مفهوم مالکیت می‌توان نام برد، استفاده از ضمایر ملکی (les pronoms possessifs) در این زبان است. این راهبرد معادل ملکی‌سازی واژگانی در زبان فارسی و استفاده از واژهٔ «مال»، «متعلق به»، «واسه» به همراه شناسهٔ فاعلی است. ضمایر ملکی به تنهایی و بدون همراهی یک اسم در جمله مورد استفاده قرار می‌گیرند. این ضمایر نیز همچون صفات ملکی با توجه به جنسیت یا تعداد (مفرد و جمع بودن) اسمی که به آن اشاره می‌کنند متغیر هستند. مانند سایر ضمایر در دستور زبان، ضمایر ملکی نیز می‌توانند جایگزین اسم یا گروهی از کلمات شوند که یک گروه اسمی را تشکیل می‌دهند، تا از تکرار آن‌ها جلوگیری شود.

همان‌طور که اشاره کردیم، ضمایر ملکی از تکرار یک اسم در یک جمله یا همان پاراگراف جلوگیری می‌کنند؛ بنابراین بدیهی است که هنگام استفاده از ضمیر ملکی در جمله، ضروری است مرجع آن مشخص باشد که آن ضمیر به چه چیزی یا به چه کسی اشاره می‌کند. این ضمایر در زبان فرانسه میان شیء یا شخص (که ما آن را مالک می‌نامیم) و شیء یا شخص دیگری (که آن را ملک می‌نامیم) ارتباط برقرار می‌کنند.

برای مثال:

Ses yeux sont noirs. چشمان او مشکی است.

Les siens sont noirs. مال او مشکی است.

در این مثال کاملاً روشن است که ضمیر ملکی les siens جایگزین گروه اسمی ses yeux است. در جملهٔ اول، رابطهٔ مالکیت توسط ses برقرار می‌شود که نشان می‌دهد سوم شخص مفرد مالک yeux است. در جملهٔ دوم، گروه اسمی ses yeux با ضمیر ملکی les siens جایگزین می‌شود.

انواع ضمایر ملکی فرانسه را در جدول زیر به‌طور کامل مشاهده می‌کنید:

جدول ۲- ضمائر ملکی زبان فرانسه

شخص	ضمیر ملکی	مثال	ترجمه‌ی مثال
اول شخص مفرد (je)	اسامی مفرد مذکر = le mien	Ton ordinateur est aussi rapide que le mien.	کامپیوتر تو مثل کامپیوتر من پرسرعت است.
	اسامی مفرد مؤنث = la mienne	Votre chemise est blanche, la mienne est rouge.	پیراهن شما سفید است، مال من قرمز.
	اسامی جمع مذکر = les miens	Tes pantalons sont plus beaux que les miens.	شلوارهایت زیباتر از شلوارهای من هستند.
	اسامی جمع مؤنث = les miennes	Tu as tes clés ? J'ai perdu les miennes.	کلیدهایت را همراهت آورده‌ای؟ من مال خودم را گم کرده‌ام.
دوم شخص مفرد (tu)	اسامی مفرد مذکر = le tien	C'est à qui ce stylo ? c'est le tien ?	این خودکار کیست؟ مال توست؟
	اسامی مفرد مؤنث = la tienne	J'ai perdu ma gomme. tu peux me prêter la tienne	پاک‌کنم را گم کرده‌ام، پاک‌کن خودت را می‌توانی به من قرض دهی؟
	اسامی جمع مذکر = les tiens	Mes parents sont professeurs, comme les tiens.	والدینم استاد هستند، مثل والدین تو.
	اسامی جمع مؤنث = les tiennes	Mes robes sont blanches, comme les tiennes.	پیراهن‌هایم سفید هستند، مثل مال تو (مثل پیراهن‌های تو)
سوم شخص مفرد (il/elle)	اسامی مفرد مذکر = le sien	Ce n'est pas mon chat, c'est le sien.	این گربه من نیست. مال اوست.
	اسامی مفرد مؤنث = la sienne	C'est ta chemise ou la sienne ?	این پیراهن توست یا مال او؟ (پیراهن او)

شخص	ضمیر ملکی	مثال	ترجمه‌ی مثال
	اسامی جمع مذکر = les siens	Ce sont tes sacs ou les siens?	این‌ها کیف‌های تو هستند یا مال او؟ (یا کیف‌های او)
	اسامی جمع مؤنث = les siennes	Ce sont tes valises ou les siennes?	این چمدان‌ها متعلق به تو هستند یا متعلق به او؟
	اسامی مفرد مذکر = le nôtre	Ce drap est à l'hôtel ? - Non, c'est le nôtre.	این ملافه مال هتل است؟ - نه مال ماست.
اول شخص جمع (nous)	اسامی مفرد مؤنث = la nôtre	C'est votre maison. C'est la nôtre.	این خانهٔ شماست و این متعلق به ما. (و این خانهٔ ما)
	اسامی جمع = les nôtres	Vos livres sont plus chers que les nôtres.	کتاب‌های شما گران‌تر از مال ماست. (گران‌تر از کتاب‌های ماست).
	اسامی مفرد مذکر = le vôtre	C'est mon téléphone portable, où est le vôtre?	این تلفن همراه من است. مال شما کجاست؟
دوم شخص جمع (vous)	اسامی مفرد مؤنث = la vôtre	Ma voiture est noire, la vôtre est blanche.	ماشین من مشکی است و مال شما سفید.
	اسامی جمع = les vôtres	Nous apportons nos sacs, apportez les vôtres.	ما کیف‌هایمان را می‌آوریم. شما هم بیاورید. (کیف‌های خودتان را)
سوم شخص جمع (ils/elles)	اسامی مفرد مذکر = le leur	Notre quartier est aussi calme que le leur.	محلهٔ ما به اندازهٔ محلهٔ آنها آرام است.

شخص	ضمیر ملکی	مثال	ترجمه‌ی مثال
	اسامی مفرد مؤنث = la leur	Votre maison est aussi grande que la leur.	خانه شما مثل خانه آنها بزرگ است.
	اسامی جمع = les leurs	Nos enfants sont plus âgés que les leurs.	بچه‌های ما از بچه‌های آنها بزرگ‌تر هستند.

#### ۴.۶. ساختار ضمائر ملکی در فرانسه

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌کنیم، ضمائر ملکی فرانسوی از دو جزء تشکیل شده‌اند. اولین مورد، استفاده از حرف تعیین *la, le* و یا *les* است و دومین بخش مالکیت را مشخص می‌کند. نکته دیگر آنکه ضمائر ملکی در زبان فرانسه، درست مانند انگلیسی و برخلاف زبان فارسی بسته به مالک (*possesseur*) متفاوت بیان می‌شوند.

البته ناگفته نماند که در انگلیسی تنها یک متغیر وجود دارد (یعنی مالک: مالک من، شما، او، ما، آنها)، اما در زبان فرانسه سه معیار (یعنی مالک، عدد و جنسیت) به هنگام به‌کارگیری ضمائر ملکی می‌بایست مد نظر واقع شوند. همچنین باید توجه داشت که برای اول، دوم و سوم شخص جمع، دیگر جنسیت مطرح نیست و همانند صفات ملکی، ضمائر هم برای جمع مذکر و مؤنث یکسان هستند.

برای مثال:

Mon sac est vert. کیف من سبز است.

Le mien est vert. مال من سبز است.

در مثالی که در بالا دیدیم، واژه *sac* به معنای «کیف» مفرد مذکر است. صاحب آن نیز که «من» است، نیز مفرد است. همان‌طور که می‌بینیم کل گروه اسمی *mon sac* با ضمیر ملکی *le mien* جایگزین شده است؛ بنابراین برای انتخاب ضمیر ملکی مناسب می‌بایست سه موضوع را مد نظر قرار داد: نخست آنکه مالک کیست؛ دوم آنکه مالک مورد نظر مفرد است یا جمع؛ و در نهایت اینکه مالک جنسیت مؤنث دارد یا مذکر.

برای مثال:

Son frère habite à Paris. برادرش در پاریس زندگی می‌کند.

در این جمله می‌خواهیم اسم *son frère* را با ضمیر ملکی جایگزین کنیم. استفاده از *son* به معنای آن است که مالک در این جمله سوم شخص مفرد است، بنابراین می‌توانیم از *le sien* به جای کل عبارت *son frère* استفاده کنیم.

از دیدگاه رده‌شناسی، همان‌گونه که پیش‌تر نیز به آن اشاره نمودیم، از آنجایی که این راهبرد فقط برای ضمائر، قابل استفاده است، بنابراین محدودیت دارد و می‌توان گفت که این مورد نیز نمی‌تواند به‌عنوان راهبرد اصلی بیان مالکیت در فرانسه محسوب گردد.

#### ۵. مالکیت جدایی‌پذیر و جدایی‌ناپذیر در فرانسه

یکی از متغیرهای مهمی که به هنگام مطالعهٔ مفهوم مالکیت در زبان‌ها بررسی می‌شود، بحث مالکیت جدایی‌پذیر و یا جدایی‌ناپذیر است. مالکیت جدایی‌ناپذیر، نوعی از رابطهٔ بین مالک و ملک را مشخص می‌کند که نمی‌توان آن دو را از هم جدا کرد. مثلاً رابطهٔ میان یک انسان و اعضای بدن او از نوع مالکیت جدایی‌ناپذیر است که در آن، عضو بدن، ملک و انسان مالک است. در مقابل، مالکیت جدایی‌پذیر نوع دیگری از رابطهٔ مالکیت است که در آن ملک قابل تفکیک از مالک است (تلیه و ولوا، ۲۰۰۶).

در رابطه با مالکیت جدایی‌پذیر می‌توان گفت که در این نوع مالکیت معمولاً می‌توان رابطهٔ ملک را با مالک قطع کرد و آن را از مالک سلب نمود. برای مثال در عبارت *la voiture de Marie* (ماشین مری) مالک (مری) می‌تواند ملک خود (ماشین) را بفروشد و یا حتی دزد می‌تواند ماشین او را ببرد. او می‌تواند ماشین خویش را به دیگری امانت دهد و مدتی به آن دسترسی نداشته باشد. این ویژگی تنها مختص ملک جدایی‌پذیر است و در رابطه با املاک جدایی‌ناپذیر صدق نمی‌کند.

مالکیت جدایی‌ناپذیر در زبان فرانسه ویژگی‌هایی دارد. نخست آن‌که مالک لزوماً موجودی زنده است. سپس ملک، غالباً عضوی از بدن است و درنهایت آنکه رابطهٔ میان مالک و ملک ذاتی است.

در ادامه به چند نمونه از مالکیت جدایی‌ناپذیر / پذیر در زبان فرانسه اشاره خواهیم کرد تا ببینیم که آیا به هنگام بیان این دو نوع مالکیت از نظر ساختاری و نحوی در این زبان تفاوتی وجود دارد یا خیر.

Pierre a vendu sa maison.	پیر خانه‌اش را فروخت.
La maison de Pierre a été vendue.	خانهٔ پیر فروخته شد.
La jambe de Pierre est cassée.	پای پیر شکسته است.
Il s'est cassé la jambe.	او پایش شکسته است.
Sa jambe est cassée.	پایش شکسته است.
Pierre lève le bras gauche.	پیر بازوی چپش را بالا می‌برد.
Il s'est lavé les mains.	دست‌ها را شست (دست‌هایش را شست)

همان‌طور که در جملات بالا مشاهده می‌کنیم، در رابطه با بیان مالکیت جدایی‌پذیر و جدایی‌ناپذیر، ساختارها رفتار نحوی بسیار منحصر به فردی دارند، زیرا پیکربندی‌هایی که ملک را به مالک متصل می‌کنند در این دو نوع مالکیت یکسان عمل نمی‌کنند. در رابطه با ساخت ملک با حرف اضافهٔ **de** در زبان فرانسه میان مالکیت جدایی‌پذیر و جدایی‌ناپذیر از لحاظ ساختاری تمایزی وجود ندارد:

La main de Sophie	دست سوفی (مالکیت جدایی‌ناپذیر)
Le cahier de Sophie	دفتر سوفی (مالکیت جدایی‌پذیر)

اما اگر مالک و ملک در دو گروه اسمی جداگانه بیابند در آن صورت میان مالکیت جدایی‌پذیر و جدایی‌ناپذیر تفاوت ساختاری وجود خواهد داشت:

Marie lui a pris la main.	مری دستش را گرفت. (مری دست او را گرفت)
---------------------------	--

همان‌طور که در جملهٔ بالا می‌بینیم به جای عبارت **sa main** به معنای «دستش»، عبارت **la main** به معنای «دست» و با حرف تعریف معین **la** جایگزین شده است. به نظر می‌رسد که این مورد

دلیل شناختی داشته و آن هم این است که در مالکیت جدایی‌ناپذیر ما هویت مالک را می‌دانیم و از آن‌جایی که رابطه این دو عنصر یعنی مالک و ملک غیرقابل انکار است، بنابراین نیازی به استفاده از مشخص‌گر ملکی یعنی صفت ملکی وجود ندارد و ملک را با حرف تعریف معین به مالک منتسب می‌کنیم. به عبارتی دیگر، از آن‌جایی که نوع تملک که از لحاظ غیرقابل سلب از «صاحب خود» و به او وابسته است نشان می‌دهد که در این موارد مشخص‌گر ملکی را عنوان نمی‌کنیم و این مشخص‌گر با حرف تعریف معین جایگزین می‌شود. برای روشن شدن موضوع مثال‌های زیر را نیز در نظر می‌گیریم:

- a) J'ai pris la main de Sara. دست سارا را گرفتم.  
 b) J'ai pris sa main. دست او را گرفتم.  
 c) Je lui ai pris le bras. بازویش را گرفتم

دو جمله زیر را با هم مقایسه می‌کنیم:

- 1- Sophie ferme les yeux سوفی چشم‌ها را بست.  
 2- Sophie a vu ses yeux dans le miroir.

سوفی چشم‌هایش را در آینه دید.

در جمله اول چنان‌که می‌بینیم به جای *ses yeux* به معنای «چشم‌هایش» از *les yeux* به معنای «چشم‌ها» استفاده شده است؛ چراکه «بستن چشم‌ها» فعلی است که فرد در رابطه با خود انجام داده و در این جمله انتساب ملک به مالک بدیهی و مبرهن بوده و از مشخص‌گر ملکی در آن استفاده نشده است؛ اما در مقابل، در جمله دوم به نظر می‌رسد که سوفی چشم‌های فرد دیگری را در آینه دیده باشد، بنابراین از مشخص‌گر ملکی یعنی صفت ملکی برای واژه «چشم» استفاده شده است.

#### ۶. متغیر اسم یا ضمیر بودن مالک

متغیر مهم دیگری که در این‌جا رفتارش را به هنگام بیان مالکیت در ساخت‌های ملکی بررسی می‌کنیم، نوع مالک از قبیل اسم یا ضمیر بودن آن در عبارات است. در زبان فرانسه نیز مثل فارسی

و انگلیسی می‌توان مالک را به دو دسته مالک اسمی و ضمیری تقسیم کرد. در برخی زبان‌ها راهبردی که برای بیان مالکیت به هنگام اسم بودن مالک به کار می‌رود، متفاوت از زمانی است که مالک ضمیر است (شریفی، ۱۳۹۷، ص. ۶۱).

برای مثال در زبان فارسی اسم یا ضمیر بودن مالک، تأثیر خاصی در نحوه بیان مالکیت و ترتیب مالک و ملک نسبت به هم ندارد. برای مثال اگر مالک اسم باشد (کتاب مریم)، یا ضمیر باشد (کتاب او) و یا با شناسه فاعلی مالکیت را بیان کنیم (کتابش)، در هر سه حالت می‌بینیم که ترتیب ملک - مالک برقرار است. اما در این جا می‌خواهیم ببینیم که آیا اسم یا ضمیر بودن مالک در ترتیب سازه‌ها تفاوتی ایجاد می‌کند یا خیر و نحوه بازنمایی این دو عنصر در هر کدام از موقعیت‌ها به چه شکل است.

a- Le livre de Marie	کتاب ماری
b- Le livre du professeur	کتاب استاد
c- La main de Marie	دست مری
d- Mon livre	کتاب من
e- Son livre	کتاب او
f- Ses jambes	پاهایش

در سه مورد اول یعنی موارد (a)، (b) و (c) مالک به صورت اسم خاص و یا عام بیان شده است. ترتیبی که در این موارد مشاهده می‌شود نیز به صورت ملک - مالک است. در سه مورد بعدی یعنی موارد (d)، (e) و (f) برعکس موارد قبلی، مالک ضمیر است و در موقعیت ضمیری می‌بینیم که ابتدا مالک و سپس ملک بیان می‌شود. پس ترتیب در این حالت به صورت مالک - ملک است. با توجه به این موضوع می‌توان گفت در زبان فرانسه زمانی که مالک اسم باشد، ترتیب به صورت ملک - مالک است و هنگامی که مالک ضمیر باشد، ترتیب عبارت به صورت مالک، ملک است.

#### ۷. متغیر جاندار یا بی‌جان بودن مالک

گاهی اوقات در بحث مالکیت به نظر می‌رسد که مالک لزوماً می‌بایست یک جاندار باشد؛ چراکه یک موجود زنده است که قدرت تصرف در اموال یا اشیا و حق اعمال نوعی کنترل بر ملک را



نیز دارد؛ اما همیشه هم این چنین نیست، بلکه در جملات زیر می‌بینیم که مالک می‌تواند موجودی بی‌جان نیز باشد.

Ma chambre a deux grandes fenêtres اتاق من دو پنجره بزرگ دارد.

Le musée a seulement une porte موزه تنها یک در دارد.

در این گونه مواقع یکی از بررسی‌های مهمی که در رویکرد رده‌شناختی مطرح می‌گردد، آن است که ببینیم آیا ویژگی جاننداری مالک و یا حتی ملک (برای مثال یک حیوان) بر نحوه‌ی بازنمایی مفهوم مالکیت و یا ترتیب سازه‌ها در زبان فرانسه تأثیرگذار است و یا خیر. برای تبیین این موضوع مثال‌های زیر را در نظر می‌گیریم:

Les ongles du pied ناخن‌های پا

Les ongles de mon amie ناخن‌های دوستم

Les ongles du chien ناخن‌های سگ

در موارد بالا به وضوح روشن است که میان جاننداری مالک و بی‌جان بودن آن (مثل اعضای بدن) تفاوتی از نظر نحوه‌ی بازنمایی مفهوم مالکیت وجود ندارد و ترتیب سازه‌ها در هر دو مورد مشابه است.

#### ۸. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر به بررسی چگونگی بیان مفهوم مالکیت در زبان فرانسه از منظر رده‌شناسی زبان پرداختیم. با تحلیل راهبردهای متفاوتی که در زبان فرانسه برای بیان مالکیت استفاده می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که این زبان از بسیاری از ساختارها، اصطلاحات و مواردی چون ضمائر و صفات ملکی برای بیان روابط مالکیت به صورت دقیق و معنادار استفاده می‌کند. علاوه بر آن، از تفاوت‌های میان مالکیت جدایی‌پذیر و جدایی‌ناپذیر آگاه شدیم. در این پژوهش همچنین مقولاتی چون ترتیب مالک و ملک نسبت به یکدیگر، میزان اهمیت جاننداری در چگونگی بیان مالکیت، نوع مالک از قبیل اسم یا ضمیر بودن آن در این زبان مورد مطالعه واقع شد.

کرافت (۲۰۰۳) ساخت‌های ملکی را در زبان‌های گوناگون به دو دسته کلی تقسیم می‌کند؛ دسته نخست زبان‌هایی هستند که ساخت ملکی در آن‌ها دارای تکواژ اضافه است و دیگری زبان‌هایی که ساخت ملکی آن‌ها دارای تکواژ اضافه نیست. طبق این دسته‌بندی، زبان فرانسه به دسته نخست تعلق دارد. به این معنا که در ساخت ملکی این زبان از تکواژ اضافه استفاده می‌شود. یکی از معیارهای تشخیص راه‌کارهای اصلی بیان یک مفهوم در زبان‌ها و تمایز میان راهبرد اصلی از فرعی، توجه به این نکته است که یکی از آن‌ها، کاربرد و نقش معنایی مشخصی نسبت به دیگر موارد دارد. در رابطه با بیان رابطه ملکی در زبان فرانسه دیدیم که استفاده از حرف اضافه برای بیان مالکیت ترجیح داده می‌شود.

طبق ویژگی‌های مورد نظر کرافت، در ساخت ملکی زبان فرانسه، مالک و ملک بدون ادغام در مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند و تکواژ اضافه همواره پس از سازه نخست یعنی پس از ملک قرار می‌گیرد.

یکی از مواردی که غالباً در مطالعات مربوط به رده‌شناسی مفهوم مالکیت مد نظر قرار می‌گیرد، بررسی جایگاه مالک و ملک نسبت به هم در عبارات است. به این منظور، در این مقاله کوشیدیم تعیین کنیم که در موارد گوناگون در زبان فرانسه این دو موضوع نسبت به هم چگونه واقع می‌شوند. تمایل غالب در ترتیب قرارگیری این دو موضوع نسبت به یکدیگر در زبان فرانسه به صورت ملک - مالک است؛ اما در مواردی که مالک به صورت ضمیری مطرح می‌شود دو حالت برای آن ممکن است: نخست آنکه اگر مالک به صورت ضمیر تأکیدی باشد و ساختار *être à* را داشته باشیم، ضمیر بعد از این ساختار قرار می‌گیرد. پس ترتیب باز هم به صورت ملک - مالک است. دوم آنکه اگر در عبارت از صفت ملکی استفاده کنیم، ترتیب به صورت مالک - ملک تغییر می‌کند. نتیجه آنکه، متغیر اسم یا ضمیر بودن مالک در نحوه چینش سازه‌ها تأثیرگذار است. همان‌طور که دیدیم ویژگی جاننداری در نحوه بیان مالکیت و یا ترتیب عناصر مالک و ملک در زبان فرانسه تغییری به وجود نمی‌آورد.

مورد دیگری که مورد تحلیل قرار دادیم، بررسی تفاوت میان مالکیت جدایی‌ناپذیر و جدایی‌پذیر بود. مطالعه داده‌ها حاکی از آن است که میان این دو نوع مالکیت با راهبرد ساخت اضافی و استفاده از حرف اضافه *de* از نظر ساخت ملکی و ترتیب عناصر تفاوتی وجود ندارد

و هر دو مورد مثل هم بیان می‌شوند. اما اگر مالک و ملک در دو گروه اسمی جداگانه بیایند، در آن صورت میان مالکیت جدایی‌پذیر و جدایی‌ناپذیر تفاوت ساختاری وجود خواهد داشت. استفاده از راهبردهای متنوع برای بیان مالکیت در زبان فرانسه از جمله به‌کارگیری ساخت اضافه، استفاده از ساخت‌های نحوی و صرفی گوناگون، صفت‌ها و ضمیرهای ملکی و تنوع کاربرد هرکدام در مالکیت‌های جدایی‌پذیر یا جدایی‌ناپذیر و تفاوت سازهٔ غالب در موقعیت ضمیری یا اسمی بودن مالک، همگی بیانگر تنوع رده‌شناختی بیان مالکیت در این زبان است. خلاصه آنکه راهبردهای بسیار متنوعی برای بیان مالکیت در زبان فرانسه استفاده می‌شود. می‌توان گفت که برای بیان یک مفهوم واحد در این زبان مانند اکثر زبان‌های دنیا راهبردهای گوناگونی وجود دارد. تنوع راهبردها می‌تواند دلایل شناختی داشته و به سازوکار ذهنی بشر مرتبط باشد که بحث در این باره در چارچوب پژوهش پیش رو نیست و مستلزم مطالعات بیشتر و دقیق‌تر است. امیدواریم که این مقاله به توسعهٔ دانش در زمینهٔ زبان‌شناسی و بهبود درک مفاهیم زبانی مرتبط با مالکیت کمک کند.

### فهرست منابع

- البرزی، پرویز. (۱۴۰۰). واکاوی مقایسهٔ زبان‌ها. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی. ۱۱ (۱). ۱-۱۰.
- بامشادی، پارسا؛ و انصاریان، شادی. (۱۳۹۶). ساخت ملکی در کردی گورانی: رویکردی رده‌شناختی. *زبان‌شناسی و گویش‌های ایرانی*. ۲ (۱). ۱-۲۲.
- بدخشان، ابراهیم؛ ویسی حصار، رحمان؛ و ساداتی، سیدجلال. (۱۳۹۷). *مالکیت اسمی و گزاره‌ای در گویش مازنی: تحلیل رده‌شناختی*. [پایان‌نامهٔ ارشد. دانشگاه کردستان].
- <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/c76c9659a232d77f5c1c5ba202096506>
- سربازیان، مجید؛ و رنجبری، سهیلا. (۱۳۹۴). مفهوم مالکیت و زمان انتقال آن در فقه امامیه، حقوق ایران و انگلیس. *پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*. ۲ (۱). ۵۷-۸۰.
- شریفی، شهلا. (۱۳۸۸). بررسی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده‌شناسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی (مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان)*. ۱ (۱). ۴۷-۶۲.
- شریفی، شهلا؛ و صبوری، نرجس‌بانو. (۱۳۹۸). راهبردهای بیان مالکیت در برخی گونه‌های زبانی ایرانی. *مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*. ۷ (۲۵). ۵۷-۷۶.

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت*. تهران: نشر دادگستر.
- معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. ۶ جلد. تهران: امیرکبیر.
- نغزگوی کهن، مهرداد. (۱۳۹۵). بیان مالکیت در تالشی، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، (۲)، ۱-۱۱۷-۱۳۶.
- نغزگوی کهن، مهرداد؛ و ملکی، ساسان. (۱۳۹۸). *طرح‌واره‌های مالکیت در زبان فارسی*. نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی. ۱۱ (۱). ۳۳-۴۸.
- Baron, I., Herslund, M., & Sørensen, F. (2001). *Dimensions of Possession*, Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Croft, W. (1990). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, W. (2003) 2nd edition. *Typology and Universals*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Greenberg, J. H. (1974 a). *Language typology: a historical and analytic overview*, The Hague: Mouton.
- Hanon, S. (1988). Qui a quoi ? Réflexions sur la possession inaliénable et le verbe avoir en français. *Revue romane*, 23 (2), 161-177.
- Hanon, S. (1989). *Les constructions absolues en français moderne*. Louvain-Paris : Peeters.
- Hawkins, J. A. (1983). *Word order universals*, New York: Academic Press.
- Heinz, M. (2003). *Le possessif en français, aspects sémantiques et pragmatiques*, Bruxelles: Editions Ducolot.
- Jackendoff, R. (1994). *Patterns in the Mind: Language and Human Nature*. New York: Basic Books.
- Kleiber, G. (2008). *The semantics and pragmatics of the possessive determiner*, Dijon: Université Marc Bloc.
- Langacker, R.W. (1993). Reference point constructions. *Cognitive Linguistics*, 4, 1-38.
- Langacker, R.W. (1991). *Foundations of Cognitive Grammar*. Vol 2. Stanford University Press.
- Pamies, A. (2002). *Sémantique et grammaire de la possession dans les langues d'Europe*. E. Castagne éd., Pour une modélisation de l'apprentissage simultané de plusieurs langues apparentées ou voisines, Publications de la Faculté de Lettres de Nice, CID Diffusion, 67-98.
- Riegel, M. (2001). The grammatical category "possession" and the part-whole relation in French. *Dimensions of possession*, 47-187.
- Song, J.J (2001). *Linguistic Typology: Morphology and Syntax*. Harlow Pearson Education Limited.

- Tellier, C., & Valois, D. (2006). *Constructions méconnues du français*, Montréal: Presses de l'Université de Montréal.
- Woldsnes, A. K. (2013). *La possession inalienable-une analyse contrastive* (Master's thesis).
- Zimek, R. (1960). K chápání posesívnosti, in *Rusko-Česke Studie*, Praha, 131-156.
- [www.larousse.fr/dictionnaires/francais](http://www.larousse.fr/dictionnaires/francais).